

شرح واجب الاعتقاد جلال الدین شرف شاه حسینی؛ یک شرح با چند انتساب غلط!

حمید عطائی نظری*

[تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۵]

چکیده

یکی از رساله‌های کلامی کوتاه متکلم برجسته امامی، علامه حسن بن یوسف حلّی (م ۷۳۶ ه.ق.) رساله ارزشمند واجب الاعتقاد علی جمیع العباد است که شروح گوناگونی بر آن نوشته شده است. در زمره این شروح، اثری است که با عنوان شرحی بر واجب الاعتقاد از عالمی ناشناس، به چاپ رسیده است. در منابع مختلف، فرضیات متفاوتی در خصوص نگارش آن به دست عالمانی چون ابن فهد حلّی، مَهَنّا بن سِنان یا عبدالحسین نیلی مطرح شده است. در این نوشتار، با بررسی نسخه‌های خطی این شرح و همچنین استناد به نسخه‌ای از تحریری که ابن‌راشد حلّی از همین شرح واجب الاعتقاد فراهم آورده است، نشان داده می‌شود که تمام فرضیات پیشین در خصوص نگارنده این شرح نادرست است و نویسنده این شرح کسی نیست جز متکلم سرشناس شیعه، سید جلال الدین شرف‌شاه حسینی. بررسی ویراست ارائه‌شده از این شرح و تشریح کاستی‌ها و اغلاط آن، از دیگر موضوعات اصلی مطرح‌شده در این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: کلام امامیه، علامه حلّی، واجب الاعتقاد علی جمیع العباد، جلال الدین شرف‌شاه حسینی، ابن‌راشد.

مقدمه

یکی از آثار کلامی کم‌پرگ ولی پُربار علامه حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلّی (۶۴۸ - ۷۲۶ ه.ق.) رساله‌ای است به نام *واجب الاعتقاد علی جمیع العباد* که علامه در آن، چنان‌که از نامش هم پیداست، به تحریر مسائلی پرداخته است که اعتقاد به آنها بر هر مکلفی واجب است. رساله شامل دو بخش کلامی و فقهی است، بدین ترتیب که بخش نخست آن یک اعتقادنامه امامی مختصر در چند صفحه است که گزیده‌ای از باورهای شیعی در موضوعات توحید و عدل و بُبوت و امامت (از اعتقاد به اصل معاد در هیچ جای رساله سخن به میان نیامده است) در آن بیان شده است، و بخش دوم آن مشتمل است بر ذکر احکام فقهی واجب، طبق مسلک امامیه (حلّی، ۱۳۷۶: ۵۱-۵۷). در واقع، اثر یادشده چکیده‌ای است از باورهای کلامی و فقهی شیعی که به قصد آموزش این گونه معتقدات به عموم شیعیان به نگارش درآمده است. از این سنخ اعتقادنامه‌ها در تاریخ نگارش‌های کلامی شیعه بسیار نوشته شده و همواره عوام و عالمان شیعه به آن توجه داشته‌اند. یکی از نشانه‌های عنایت عالمان امامی به اعتقادنامه‌هایی نظیر *واجب الاعتقاد*، شروح و حواشی متعددی است که بر این رساله‌ها نگاشته شده است. بر رساله *واجب الاعتقاد* نیز شروح متعددی نوشته شده که برخی از آنها منتشر شده است. در این مقاله، مروری خواهیم کرد بر شروح مختلف نگاشته‌شده بر این اثر و سپس به‌طور خاص به بازشناسی هویت نویسنده یکی از شروح ناشناخته آن می‌پردازیم. در کتاب‌شناسی‌ها و تراجم‌نامه‌های موجود هیچ نام و نشانی از نویسنده این شرح نیامده است و در منابع، به اشتباه آن را به چند مؤلف مختلف نسبت داده‌اند؛ اما در نوشتار حاضر با استناد به چند نسخه خطی، نویسنده حقیقی این شرح برای نخستین بار معرفی می‌شود.

از آنجا که در مقاله‌ای دیگر به تفصیل در باب رساله *واجب الاعتقاد* و مطالب شایان توجه در خصوص آن، سخن گفته‌ایم (نک: عطائی نظری، ۱۳۹۵: ۹۲-۱۰۴)، در این مجال به تکرار مطالب آن نپرداخته، خوانندگان را به منظور آگاهی از ویژگی‌های ساختاری و محتوایی و همچنین بررسی نسخه‌ها و ویراست‌ها و ترجمه‌های مختلف این رساله بدان نوشته ارجاع می‌دهیم. در ادامه، نخست به نکته‌ای تازه درباره تاریخ نگارش رساله *واجب الاعتقاد* اشاره کرده، پس از آن، شروح مختلف این اثر را به اجمال معرفی کرده

شرح واجب الاعتقاد جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی؛ یک شرح با چند انتساب غلط! / ۷۷

و در نهایت، به بحث اصلی خود یعنی بازشناسی هویت نویسنده واقعی یکی از این شروح که تاکنون ناشناخته مانده بوده است، می‌پردازیم.

۱. انتساب و تاریخ نگارش رساله واجب الاعتقاد علی جمیع العباد

در انتساب نگارش رساله واجب الاعتقاد به علامه حلی تردیدی نیست. علامه در اجازه‌ای که در محرم سال ۷۲۰ هجری قمری برای مَهَنابِ سَنان صادر کرده (حلی، ۱۴۰۱: ۱۵۷ - ۱۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۴ و ۱۴۸)، از این رساله اعتقادی هیچ نامی نبرده است، اما اسم آن در ضمن یکی از پرسش و پاسخ‌های مطرح‌شده در این کتاب، پس از صدور اجازه‌ای دیگر از سوی علامه برای مَهَنابِ سَنان در ذی‌الحِجَّه سال ۷۱۹ هجری قمری (حلی، ۱۴۰۱: ۱۱۷) برده شده و علامه انتساب آن را به خود تأیید کرده است (همان: ۱۲۵). از اینجا همچنین می‌توان این نکته را دریافت که رساله واجب الاعتقاد به‌طور قطع تا پیش از سال ۷۱۹ به نگارش درآمده بوده است.

از سوی دیگر، نام این رساله در فهرستی که علامه حلی در سال ۶۹۳ ه.ق. از آثار خود در خلاصه الأقوال ارائه کرده است (همو، ۱۴۱۷: ۱۱۰) برده نشده، گرچه بعدها به برخی از نسخه‌های این کتاب و به تبع آن در ویراست کتاب افزوده شده است (همان: ۱۱۳). بنابراین باید گفت این رساله تا سال ۶۹۳ تألیف نشده است. همچنین نام رساله واجب الاعتقاد نه در متن کهن‌ترین نسخه خطی شناخته‌شده خلاصه الأقوال (یعنی نسخه موجود در کتاب‌خانه علامه سید حسن صدر در کاظمین که متن آن بر علامه خوانده شده و در پایان آن، بلاغِ این‌های قرائت نسخه در سال ۷۱۵ به خط علامه نوشته شده است) و نه در حاشیه آن (که اسامی برخی آثاری که علامه پس از سال ۶۹۳ نگاشته است بدان افزوده شده) دیده نمی‌شود (همو، بی‌تا: برگ‌های ۱۸ ب - ۲۰ آ). بنابراین به احتمال بسیار قوی این رساله تا هنگام کتابت نسخه پیش‌گفته از خلاصه الأقوال، یعنی سال ۷۱۵، نگاشته نشده بوده است. بر این اساس، می‌توان حدس زد که رساله واجب الاعتقاد در فاصله زمانی میان سال ۷۱۵ تا ۷۱۹ ه.ق. تألیف شده است.

۲. شروح نگاشته شده بر رساله واجب الاعتقاد

نخستین شرح بر رساله واجب الاعتقاد، که در عین حال معروف‌ترین و احتمالاً مفصل‌ترین شرح نگاشته‌شده بر آن نیز به شمار می‌آید، الاعتقاد فی شرح واجب الاعتقاد نام دارد. این شرح با انتساب غلط به فاضل مقداد سیوری (م ۸۲۶ ه.ق.) منتشر شده است (سیوری، ۱۴۱۲)، درحالی‌که - به شرحی که در مقاله پیش‌گفته‌ام درباره واجب الاعتقاد بازگفته‌ام - بر اساس صفحه عنوان نسخه کهن خطی موجود از این رساله در کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۰۷۰۶، این اثر، تألیف شمس‌الدین محمد بن صدقه حلّی شاگرد فخرالمحققین (م ۷۷۱ ه.ق.) و نصیرالدین کاشانی (م ۷۵۵ ه.ق.) است که آن را در زمان حیات استادش فخرالمحققین نگاشته است.

دومین شرح بر واجب الاعتقاد عبارت است از نهج السداد إلی شرح واجب الاعتقاد نوشته عبدالواحد بن صفی نعمانی (قرن ۹ ه.ق.) که فقط شامل شرح بر بخش اعتقادی رساله می‌شود و تاکنون منتشر نشده است (افندی اصفهانی، ۱۴۰۳: ۲۷۹/۳). شرح دیگر بر این رساله به دست ظهیرالدین ابراهیم بن علی بن عبدالعالی مفلح المیسی‌العاملی (م ۹۷۹ ه.ق.) نگاشته شده و تحصیل السداد فی شرح واجب الاعتقاد نام دارد (طهرانی، ۱۴۰۳: ۳۹۶/۳). فرائد الاعتقاد فی شرح واجب الاعتقاد شرحی دیگر است بر واجب الاعتقاد که البته نویسنده آن شناخته‌شده نیست. طبق گزارش برخی منابع، تاریخ کتابت این دست‌نویست سال ۹۷۱ ه.ق. است (طباطبائی، ۱۴۱۶: ۲۲۰)؛ ولی در بعضی مآخذ دیگر، تاریخ جمادی‌الأولی سال ۱۰۰۱ ه.ق. برای زمان استنساخ آن ذکر شده است (درایتی، ۱۳۹۱: ۶۹۴/۲۳). شیخ حسین بن علی بن حسین بن ابی‌سروال‌الأوالی‌البحرانی (زنده در ۹۵۶ ه.ق.) نیز شرحی بر واجب الاعتقاد نگاشته است که به چاپ نرسیده ولی نسخه‌ای از آن بازمانده است (امین، ۱۴۰۳: ۱۱۶/۶). ارشاد العباد فی کشف واجب الاعتقاد نوشته عبدالمطلب بن فخرالدین فراء مسیبی نیز ترجمه و شرحی است فارسی بر رساله واجب الاعتقاد که یک نسخه خطی از آن با تاریخ کتابت ۱۰۸۳ ه.ق. موجود است (درایتی، ۱۳۹۰: ۹۷/۳). موجب النجاة فی الحیة و الممات نگاشته حسن بن عبدالحق تونی (زنده در قرن ۱۲ ه.ق.) (تبریزی، ۱۴۱۴: ۴۳/۲) و نجاح العباد فی شرح واجب الاعتقاد (طباطبائی، ۱۴۱۶: ۲۲۰) که شامل شرح بر کل رساله اعم از بخش کلامی و فقهی می‌شود و

شرح واجب الاعتقاد جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی؛ یک شرح با چند انتساب غلط! / ۷۹

دست‌نوشتی از آن به شماره ۸۳۷۶/۱ مورخ ۱۲۸۸ ه.ق. در کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی محفوظ است (درایتی، ۱۳۹۳: ۱۵۱/۳۳) نیز از شروح شایان ذکر برای رساله واجب الاعتقاد است.

۳. شرحی از واجب الاعتقاد و چند فرضیه در باب نویسنده آن

یکی از شروح نگاشته شده بر رساله واجب الاعتقاد شرحی است متعلق به عالمی ناشناس در قرن نهم هجری قمری که با عنوان شرح واجب الاعتقاد به چاپ رسیده است (شرف‌شاه حسینی، ۱۴۲۸: ۷۲/۶ - ۹۸). این شرح که به زبان عربی نگاشته شده، تنها مشتمل بر شرح بخش کلامی رساله واجب الاعتقاد است و نویسنده پس از نقل قسمتی از متن رساله، زیر عنوان «قوله» به شرح و بسط مطالب مطرح در آن بخش پرداخته است.

تصحیح و چاپ این شرح بر اساس دو نسخه شناخته شده از آن اثر تا آن زمان انجام شده است: یکی نسخه شماره ۱۰۹۷۱ OR محفوظ در کتاب‌خانه بریتانیا (که عکس آن در مرکز احیاء میراث اسلامی قم به شماره ۱۸۰۴ موجود است) و دیگری، نسخه شماره ۱۰۶۶۸/۴ کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی که تاریخ کتابت آن به قرن دهم هجری قمری بازمی‌گردد (همان: ۷۳). بر اساس انجامه (ترقیمه) نسخه شماره ۱۰۹۷۱ OR کتابت این نسخه در روز جمعه شانزدهم محرم سال ۸۴۱ ه.ق. به پایان رسیده است (همان: ۹۸). هر دو نسخه، فاقد نام نویسنده است و از این‌رو برای محقق متن، شناسائی نام شارح میسر نشده است. برخی از محققان و دانشوران نیز نگارش این شرح را به عالمانی دیگر نسبت داده‌اند. در ادامه، هر یک از این انتساب‌ها را به‌طور جداگانه بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم که هیچ‌یک از آنها درست نیست و شارح، کس دیگری به غیر از نام‌برندگان است.

۱.۳. انتساب شرح به ابن‌فهد حلی

محمد عبدالکریم بیت‌الشیخ، مصحح شرح واجب الاعتقاد، ضمن اذعان به اینکه نتوانسته نام شارح این شرح را بشناسد و فقط دانسته که صاحب شرح، یکی از عالمان

قرن نهم هجری است، بر اساس شواهد زیر، نگارش آن را به ابن‌فهد حلّی (م ۸۴۱ ه.ق.) نسبت داده است:

۱. نسخه این اثر محفوظ در کتاب‌خانه بریتانیا در سال ۸۴۱ ه.ق. کتابت شده است که همان سال وفات ابن‌فهد حلّی می‌باشد؛

۲. این نسخه در تملک خاندانی بوده که جدّ آنها یکی از شاگردان ابن‌فهد حلّی بوده است؛

۳. ابن‌فهد بسیاری از کتب علامه حلّی را شرح کرده و نسبت بدین کار اهتمام داشته است (همان: ۷۴ - ۷۵).

روشن است که هیچ‌یک از شواهد یادشده توانائی اثبات صحت انتساب نگارش این شرح را به ابن‌فهد ندارد و قرائن یادشده بسیار ضعیف‌تر از آن چیزی است که بتواند چنین حدسی را تقویت کند؛ خاصه آنکه در کتب تراجم هم اثری با عنوان شرح و/جب الاعتقاد در فهرست آثار ابن‌فهد ذکر نشده است و از سیاهه آثار وی هم برمی‌آید که اهتمام او بیشتر به آثار فقهی، دعائی و اخلاقی - عرفانی بوده و نه مباحث کلامی (نک: سبحانی و دیگران، ۱۴۲۵: ۱۸۳/۳).

۲.۳. انتساب شرح به مَهَنابنِ سِنان

سید اعجاز حسّین کتتوری در کشف الحُجُب و الأستار به هنگام یادکرد از شرح واجب الاعتقاد پس از تصریح به دست‌نیافتن به نام شارح، این احتمال را مطرح کرده است که این شرح اثری از نجم‌الدّین مَهَنابنِ سِنان (م ۷۵۴ ه.ق.) شاگرد علامه حلّی باشد (کتتوری، ۱۴۰۹: ۳۵۹). شیخ آقا بزرگ طهرانی هم با نقل گفته‌های صاحب کشف الحُجُب به وجود نسخه‌ای از این شرح نزد مرحوم شیخ قاسم محیی‌الدّین اشاره کرده است (طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۶۴/۱۴).

با توجه به مطالبی که در ادامه این نوشتار خواهد آمد، معلوم خواهد شد که این فرضیه هم در باب هویت نویسنده شرح درست نیست و مَهَنابنِ سِنان نویسنده شرح مزبور نمی‌باشد.

شرح واجب الاعتقاد جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی؛ یک شرح با چند انتساب غلط! / ۸۱

۳.۳. انتساب شرح به عبدالحسین بن محمد نیلی

در کتاب‌خانه آیت‌الله حکیم در نجف اشرف نسخه‌ای از شرح واجب الاعتقاد به شماره ۱۰۹۱ - ۴ وجود دارد که در صفحه شناسنامه اثر، نویسنده آن عبدالحسین بن محمد النیلی معرفی شده است. متأسفانه در آغاز این نسخه چند صفحه‌ای افتاده است و لذا در ابتدای آن، نام و نشانی از نویسنده شرح دیده نمی‌شود. در پایان شرح، آمده است:

و هذا آخر ما ذكرناه في شرح المسائل الاصولية والحمد لله رب العالمين و
صلى الله على محمد و آله الطاهرين فرغ من تعليقه لنفسه الراجي رحمة ربه
الغفور العلي عبدالحسين بن محمد بن حسين بن زنبور النيلي غفر الله له و
لوالديه و لمن أحسن إليهما و إليه في سابع عشر صفر ختم بالخير و الظفر لسنة
خمس و خمسين و ثمانماية و الحمد لله وحده (شرف‌شاه حسینی، بی‌تا ب:
ب ۱۱۴).

شیخ آقا بزرگ طهرانی نیز در مجلد الضیاء اللامع فی القرن التاسع از طبقات اعلام
الشیعة در فهرست آثار عبدالحسین نیلی به شرح او بر واجب الاعتقاد اشاره کرده که آن
را به خط خود نگاشته و در پایانش عبارتی شبیه به عبارت منقول از انجامه نسخه شرح
واجب الاعتقاد متعلق به کتاب‌خانه آیت‌الله حکیم نوشته شده است:

عبدالحسین النیلی هو ابن محمد بن الحسين بن زنبور النيلي دون مجموعة من
المسائل الكلامية فيها «نهج السداد الى شرح واجب الاعتقاد» - ذ ۲۴: ۴۱۸ و ۲۵:
۴ و معرب «الفصول» النصيرية و مسائل الأصول و هو شرح واجب الاعتقاد
أيضا بعنوان «قوله، قوله». كتبها بخطه و قال في آخرها: فرغ من تعليقه لنفسه
الراجي ... عبد الحسين ... في ۱۷ صفر ۸۵۵. و النسخة رأيتها عند (السماوی)
يظهر منه أنه كان مولعا بعلم الكلام في عصره (طهرانی، ۱۴۳۰: ۷۵/۶).

چنان‌که معلوم است نسخه مد نظر آقا بزرگ در این گفتاورد همان نسخه موجود از
شرح واجب الاعتقاد در کتاب‌خانه حکیم نجف است که باز اینجا نیز نگارش آن به
عبدالحسین نیلی نسبت داده شده است. با این وصف، آقا بزرگ طهرانی هنگامی که در
الذریعة از همین نسخه یاد می‌کند آن را شرحی بر واجب الاعتقاد با عنوان شرح مسائل

الأصول از بعضی اصحاب معرفی می‌کند و این بار از نگارش آن به دست نیلی سخنی به میان نمی‌آورد: «شرح واجب الاعتقاد بعنوان شرح مسائل الأصول عناوینه قوله قوله، لبعض الأصحاب ضمن مجموعة فيها نهج السداد أيضا رأيتها عند العلامة السماوی تاریخ کتابتها سنة ۸۵۵، فلايحتمل اتحاده مع نهج السداد للنعمانی» (طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۶۴/۱۴).

با مقایسه متن شرح واجب الاعتقاد مکتوب در نسخه کتاب‌خانه حکیم نجف و شرح واجب الاعتقاد تصحیح و منتشرشده توسط محمد عبدالکریم بیت‌الشیخ، اتحاد و یکسانی این دو متن روشن می‌شود. یعنی شرحی که در نسخه کتاب‌خانه حکیم آمده و نگارش آن از سوی فهرست‌نگار و همچنین شیخ آقا بزرگ طهرانی (در یک موضع) به عبدالحسین نیلی نسبت داده شده است، در واقع همان شرحی است که محمد عبدالکریم بیت‌الشیخ آن را به عنوان شرحی از یک عالم ناشناس در قرن نهم و با احتمال انتساب به ابن‌فهد حلّی منتشر کرده و سید اعجازحسین کتتوری نیز فرضیه تألیف آن به دست مَهَنابن سنان را مطرح کرده است. بنابراین در تمام اینها سخن بر سر شرحی است که نویسنده آن معلوم نیست، ولی حدس و گمان‌های مختلفی درباره پدیدآورنده آن مطرح شده است. از آنچه گفته شد این مطلب هم روشن می‌شود که دو شرحی که شیخ آقا بزرگ طهرانی در الذریعه ذیل شماره‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ به عنوان دو شرح مختلف بر واجب الاعتقاد ذکر کرده است (همان: ۱۶۴/۱۴) در حقیقت دو شرح مختلف بر این اثر نیستند، بلکه دو نسخه از یک شرح واجب الاعتقاد می‌باشند.

شاید علت اینکه آقا بزرگ طهرانی و فهرست‌نگار نسخه شرح واجب الاعتقاد موجود در کتاب‌خانه حکیم نگارش این شرح را به عبدالحسین نیلی نسبت داده‌اند، این عبارت مکتوب در انجامه نسخه باشد: «فرغ من تعلیقه لنفسه الراجی رحمة ربّه الغفور العلیّ عبدالحسین بن محمد بن حسین بن زنبور النیلی». اما با دقت در تعبیر «فرغ من تعلیقه لنفسه» می‌توان فهمید که نیلی نه صاحب شرح، بلکه فقط، کاتب آن بوده است و نویسنده شرح، کس دیگری باید باشد. به‌طور معمول عبارت «فرغ من تعلیقه لنفسه» برای بیان این معنا استعمال می‌شود که کاتب، متنی را برای استفاده شخصی خودش نوشته است و چنانچه کاتب متن، همان مؤلف و صاحب اثر باشد دیگر از قید «لنفسه»

شرح واجب الاعتقاد جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی؛ یک شرح با چند انتساب غلط! / ۸۳

در انجامه نسخه استفاده نمی‌کند. با توجه به آنچه گذشت، معلوم است که عبدالحسین نیلی هم ممکن نیست نویسنده و صاحب شرح واجب الاعتقاد باشد. اکنون باید دید چگونه می‌توان شارح این شرح را شناسائی کرد.

۴. شرف‌شاه حسینی و شرح او بر واجب الاعتقاد

کلید حل مشکل شناسایی شارح شرح واجب الاعتقاد را باید در نسخه شماره ۱۵۴۴۱/۶ کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی یافت. این رساله که با عنوان شرح بر شرح واجب الاعتقاد معرفی شده است نوشته یکی از عالمان امامی به نام حسن بن محمد بن راشد است. عبارت کاتب در بالای صفحه نسخه چنین است: «شرح علی شرح واجب الاعتقاد من مصنفات الشیخ حسن بن محمد بن راشد و المتن للعلامة رحمه الله تعالى».

شیخ حسن بن محمد بن راشد در آغاز این شرح خاطر نشان می‌کند که قصد داشته به رساله واجب الاعتقاد علامه حلّی اهتمام و اعتنایی نماید و بدین سبب تصمیم گرفته به شرحی که جلال‌الدین ابوالعز عبد‌الله بن شرف‌الدین شرف‌شاه حسینی بر آن نوشته است، پردازد و اغلاط و تصحیفاتی را که از سوی ناسخان و کاتبان در این اثر راه یافته است، اصلاح و تعدیل نماید:

بسم الله الرحمن الرحيم ربّ يسرّ و أعنّ * بعد حمد الله سبحانه حمداً يليق بجلاله و الصلاة على سيّد البريّة محمد و آله * يقول أحوج عباد الله إلى عميم إفضاله حسن بن محمد بن راشد * ارشده الله إلى تحصيل مآله * رأيت أن اهتم إلى المقدّمة الموسومة بواجب الاعتقاد من مصنفات شيخنا المحقّق الأعظم و الامام الاعلم السعيد المغفور جمال الدين أبى منصور الحسن بن الشيخ المرحوم ابى المظفر سديد الدين يوسف ابن المطهر قدس الله نفسيهما و روح مسيهما [بياض] الشرح الذى كتبه عليها سيّدنا الامام العلامة مقتدى الخاصة و العامة كاشف أستار المعقول و المنقول حاوى قصَب البيق [كذا: السبق] فى الفروع و الاصول وارث آبائه الطاهرين خليفة اجداده المعصومين جلال الملة و الحق والدين ابى العز عبدالله ابن المولى السعيد المحمود شرف الدين شرف شاه الحسيني كساهما الله اصفى جلايب صلواته و سقاها اصفى شأبيب تحياته

و أن اصلح ما عدلت به أقلام النساخ عن قصد السبيل و الله حسبي و نعم
الوكيل (ابن‌راشد حلّی، بی‌تا: برگ ۱ آ).

در نسخه، پس از عبارات یادشده، متن و شرح واجب الاعتقاد نوشته شده که با مقایسه و تطبیق معلوم می‌شود در اصل، همان متن چاپ‌شده به عنوان شرح واجب الاعتقاد از عالمی ناشناس در قرن نهم هجری است که موضوع بحث مقاله حاضر نیز قرار گرفته است. توضیح آنکه، در این نسخه، بعد از عبارات پیش‌گفته، متن واجب الاعتقاد و شرح آن با عبارت «الحمد لله على نعمائه، و صلى الله على سيد رسله و أشرف أنبيائه محمد المصطفى و على المعصومين من أمثائه. أقول: (الحمد) هو الوصف بالجميل على جهة التعظيم و التبجيل، فقولنا...» شروع شده و تا بیست و یک سطر بعد تا عبارت «فوجب أن يكون عالماً بكل ما علموه، متصفاً بجميع ما اتصفوا به من الأخلاق الحميدة الفاضلة، فوجب أن يكون أفضل من كل واحد منهم فكان أفضل من الجميع، فكان أشرف أنبيائه» صرف‌نظر از پاره‌ای اختلافات در برخی کلمات، مطابق با متن چاپ‌شده شرح واجب الاعتقاد (نک: شرف‌شاه حسینی، ۱۴۲۸: ۷۶/۶ - ۷۷) ادامه یافته است. سپس شیخ حسن بن محمد بن راشد با بیان این عبارت که: «قلت: و هذا آخر كلام سيدنا قدس الله لطيفه هنا...» بار دیگر تصریح و تأکید می‌کند که عبارات منقول در واقع گفته سید شرف‌الدین شرف‌شاه حسینی است. شرح پس از چند جمله که به روشنی از سوی شیخ حسن بن محمد بن راشد بیان شده است، مجدداً ادامه یافته، تا آخر نسخه تقریباً مطابق با همان متن چاپ‌شده پیش می‌رود و به این عبارت ختم می‌شود:

و استبعاد الخصم طول عمره عليه السلام جهل محض، يعلم ذلك من العلم
بقدره الله تعالى و ما اشتمل عليه الكتاب الكريم من ذكر نوح عليه السلام و
كتب التواريخ المذكورة [كذا: المدونة] في أخبار المعمرين و هذا آخر ما ذكرناه
من شرح مسائل [كذا: المسائل] الأصولية و الحمد لله رب العالمين و صلى الله
على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين.

از اینجا می‌توان فهمید که نویسنده و شارح شرح واجب الاعتقاد کسی نیست جز سید جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی و بنابراین تمام فرضیات و احتمالات دیگری که

شرح واجب الاعتقاد جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی؛ یک شرح با چند انتساب غلط! / ۸۵

درباره نویسنده این شرح در منابع مختلف ذکر شده و کسانی همچون ابن‌فهد حلّی و مَهَنَّا بن سنان یا عبدالحسین نیلی را صاحب آن معرفی کرده‌اند، باطل است و ناصواب. تا آنجا که جست‌وجو شد در هیچ‌یک از تراجم‌نامه‌ها و منابع کتاب‌شناسی در زمره آثار شرف‌الدین شرف‌شاه حسینی از شرح واجب الاعتقاد نام برده نشده است و گویا در چند قرن اخیر دانسته نبوده که او بر رساله واجب الاعتقاد علامه حلّی، همچون باب حادی عشر او، شرح نوشته بوده است. نسخه‌های شرح واجب الاعتقاد او هم که در قرون اخیر در دسترس دانشوران بوده ظاهراً نام نویسنده را در بر نداشته است؛ به همین دلیل، نویسنده آن تاکنون ناشناس مانده و در باب نگارنده آن احتمالاتی که از نظر گذشت، مطرح شده است. به هر حال با توجه به تصریح شیخ حسن بن محمد بن راشد بر اینکه نویسنده این شرح جلال‌الدین ابوالعز عبداللّه بن شرف‌الدین شرف‌شاه حسینی است دیگر جای هیچ تردید در باب هویت نویسنده آن نیست.

سید جلال‌الدین ابوالعز عبداللّه بن شرف‌الدین شرف‌شاه علوی حسینی، که گاه او را به اختصار «السید جلال‌الدین الحسینی» یا «السید شرف» نیز خوانده‌اند (افندی اصفهانی، ۱۴۱۵: ۵۷/۷ و ۱۴۵)، از متکلمان امامی برجسته قرن هشتم و نهم هجری قمری و صاحب آثار کلامی ارزشمندی بوده است. او همچون شمس‌الدین محمد بن صدقه حلّی صاحب الاعتقاد فی شرح واجب الاعتقاد، از شاگردان نصیرالدین علی بن محمد (قاشی) کاشانی (م ۷۵۵ ه.ق.) بوده است و افزون بر این، نامش در شمار استادان ابن‌فهد حلّی (م ۸۴۱ ه.ق.) برده شده است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۳۰: ۱۲۲/۵). برخی از تراجم‌نگاران با توجه به اینکه تقی‌الدین ابراهیم بن علی کفعمی (م حدود ۹۰۵ ه.ق.) در حواشی کتاب مصباح (ج ۱) جَنَّةُ الْأَمَانِ الْوَأَقِیَّةُ وَ جَنَّةُ الْإِيمَانِ الْبَاقِیَّةُ و برخی دیگر از آثارش به نقل مطالبی از سید جلال‌الدین شرف‌شاه پرداخته است این احتمال را مطرح کرده‌اند که وی در زمره مشایخ کفعمی باشد (افندی اصفهانی، ۱۴۰۳: ۲۲۲/۳؛ طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۲۱/۱۲؛ امین، ۱۴۰۳: ۵۳/۸؛ صدر، ۱۴۲۹: ۳۴۱/۳؛ اما ظاهراً با نظر به طبقه و دوره زندگی آن دو دانشور، این احتمال مقرون صواب نیست (تبریزی، ۱۴۱۴: ۱۷۶/۳). در واقع، با لحاظ اینکه ولادت کفعمی به احتمال قوی در حدود سال ۸۲۰ قمری بوده (شرف‌الدین، ۱۴۳۴: ۴۰/۲) و چنان‌که در پی می‌آید، سید جلال‌الدین شرف‌شاه چندین سال پیش از این تاریخ از دنیا رفته است، به نظر

می‌رسد، آن گونه که برخی دیگر از نویسندگان نیز خاطر نشان کرده‌اند (همان: ۶۱/۲)، کَفَعَمی فرصت استفاده از محضر او را نمی‌توانسته داشته باشد. بنابراین یادکردن از سید جلال‌الدین شرف‌شاه در زمره مشایخ کَفَعَمی منطقی به نظر نمی‌رسد. از آثار کلامی سید جلال‌الدین ابوالعز شرف‌شاه حسینی به غیر از شرح واجب الاعتقاد، که به تفصیل از آن سخن گفته شد، می‌توان به الرسالة السلطانية الاحمدية فی إثبات العصمة النبوية المحمدية (افندی اصفهانی، ۱۴۰۳: ۲۲۲/۳؛ طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۱۱ و ۲۱۸/۱۲؛ تبریزی، ۱۴۱۴: ۳۲۸/۵؛ امین، ۱۴۰۳: ۵۳/۸) و شرح ترجمه عربی فصول خواجه نصیرالدین طوسی (طهرانی، ۱۴۰۳: ۳۸۵/۱۳؛ همو، ۱۴۳۰: ۸۰/۶؛ سبحانی و دیگران، ۱۴۲۵: ۲۰۷/۳) اشاره کرد که از آن نسخی برجا مانده است. کتاب منهج الشيعة فی فضائل وصی خاتم الشریعة (افندی اصفهانی، ۱۴۰۳: ۲۲۱/۳؛ طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۱۱ و ۱۹۳/۲۳؛ امین، ۱۴۰۳: ۲۶۶/۲؛ سبحانی و دیگران، ۱۴۲۵: ۲۰۷/۳) او نیز به چاپ رسیده است (شرف‌شاه حسینی، ۱۴۲۰). او همچنین شرحی بر دیگر رساله پرآوازه علامه حلّی یعنی باب حادی عشر نوشته است که نسخه‌ای از آن به خط محمدبن محمدبن محمدبن مهنّابن ابی الحسن بن نُفیع که در سال ۸۲۱ هجری قمری در مدرسه زینیه حلّه کتابت شده و در مجموعه خطی ۱۰۷۰۶ کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی موجود است. در صفحه عنوان این نسخه نوشته شده است: «کتاب شرح الباب الحادی عشر تصنیف المولی السید العالم الفاضل السعید المرحوم جلال الملة و الحق و الدین ابوالعز عبدالله بن شرف شاه الحسینی قدس الله روحه» (شرف‌شاه حسینی، بی‌تا الف: برگ ۱۱).

از عبارات ترحیمی نظیر «السعید المرحوم» و «قدس الله روحه» که کاتب برای سید جلال‌الدین ابوالعز شرف‌شاه حسینی به کار برده است می‌توان فهمید که به‌طور قطع او قبل از تاریخ کتابت این نسخه در روز یکشنبه یازدهم ذی‌القعدة سال ۸۲۱ قمری از دنیا رفته است. بر این اساس، عبارت پایانی نسخه محفوظ در کتاب‌خانه بریتانیا از شرح واجب الاعتقاد شرف‌شاه حسینی، بدین مضمون که این شرح در روز جمعه شانزدهم محرم سال ۸۴۱ ه.ق. به پایان رسیده است: «تمّ شرح واجب الاعتقاد يوم الجمعة السادس عشر من شهر محرم الحرام سنة ۸۴۱ ه.ق.» (شرف‌شاه حسینی، ۱۴۲۸: ۹۸/۶)، حاکی از تاریخ کتابت آن نسخه است و نه تاریخ نگارش اثر؛ چون شرف‌شاه حسینی مدت‌ها

شرح واجب الاعتقاد جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی؛ یک شرح با چند انتساب غلط! / ۸۷

پیش از تاریخ یادشده وفات کرده است. همچنین به عقیده شیخ آقا بزرگ طهرانی، بر اساس تاریخ وقف تعدادی از کتاب‌های ارزشمند تفسیری و کلامی در تملک سید جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی به خزانه عرویه در تاریخ ۸۱۰ هجری قمری، می‌توان حدس زد که وی احتمالاً باید در حدود همین سال درگذشته باشد (طهرانی، ۱۴۳۰: ۷۹/۶ و ۲۴؛ همو، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۱۱ و ۱۹۳/۲۳؛ سبحانی و دیگران، ۱۴۲۵: ۲۰۶/۳ - ۲۰۷). شیخ آقا بزرگ این را هم تصریح کرده که درگذشت وی به‌طور قطع پس از شهادت شهید [اول] در سال ۷۸۶ ه.ق. بوده است (طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۹۳/۲۳).

۵. ابن‌راشد حلّی و تحریر او از شرح واجب الاعتقاد شرف‌شاه حسینی

چنان‌که اشاره کردیم، سندی که بیان‌گر تعلق شرح واجب الاعتقاد مجهول المؤلف موضوع بحث ما، به سید جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی است، نسخه‌ای است که از تحریر شرح واجب الاعتقاد وی به قلم شیخ حسن بن محمد بن راشد به دست ما رسیده است و هم‌اکنون با شماره ۱۵۴۴۱/۶ در کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. در اینجا شایسته است در باب شخصیت حسن بن محمد بن راشد و همچنین شاخصه‌های نسخه دست‌نوشته او از شرح واجب الاعتقاد شرف‌شاه حسینی مطالبی عرضه کنیم.

حسن بن محمد بن راشد معروف به «ابن‌راشد حلّی» (زنده در ۸۳۰ ه.ق.) از متکلمان و فقیهان و شاعران برجسته شیعی در حلّه بوده است. میرزا عبدالله افندی اصفهانی او را همان شیخ تاج‌الدین حسن بن راشد حلّی دانسته و از آثار کلامی او به رساله مصباح المتهتدین فی اصول الدّین اشاره می‌کند که نسخه‌ای از آن را به تاریخ کتابت ۸۸۳ ه.ق. در استرآباد دیده است. او همچنین از نسخه‌های دیگری به خط وی که در سال‌های ۸۲۴ و ۸۳۰ هجری قمری نوشته شده، یاد کرده است (افندی اصفهانی، ۱۴۰۳: ۱۸۵/۱ و ۳۴۲؛ تبریزی، ۱۴۱۴: ۳۲/۲ - ۳۵ و ۱۰۷/۲). ظاهراً از وی اشعاری سروده‌شده به سال ۸۳۶ برجا مانده و لذا برخی منابع، بر همین اساس او را تا سال یادشده در قید حیات دانسته‌اند (سبحانی و دیگران، ۱۴۲۵: ۱۹۵/۳). بنابراین به‌طور قطع ابن‌راشد چند دهه نخست سده نهم هجری قمری را درک کرده است. بعضی ابن‌راشد را از شاگردان علّامه حلّی

برشمرده‌اند (افندی اصفهانی، ۱۴۰۳: ۱۸۷/۱؛ طهرانی، ۱۴۳۰: ۴۰/۵)، اما صاحب *أعیان الشیعة* با ارائه دلایلی این مطلب را رد کرده است (امین، ۱۴۰۳: ۶۶/۵؛ نک: تبریزی، ۱۴۱۴: ۳۴/۲). مسلم است که وی همچون ابن فهد حلّی (م ۸۴۱ ه.ق.)، شاگرد فاضل مقداد سیوری (م ۸۲۶ ه.ق.) بوده است. از آثار او به غیر از *مصابح المهتدین* می‌توان به *الجمانة البهية فی نظم الألفية الشهيدية*، *أرجوزة فی تاریخ القاهرة* و *أرجوزة فی تاریخ الملوك والخلفاء* اشاره کرد (حرّ عاملی، ۱۴۳۱: ۶۵/۲؛ طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۴۶/۱ - ۴۶۵). تا آنجا که بررسی شد، در هیچ‌یک از منابع، سخنی از تحریر شرح *واجب الاعتقاد* شرف‌شاه حسینی به دست ابن راشد حلّی نرفته است و ظاهراً به این نکته تا پیش از این توجه نشده است. گفتنی است که شیخ آقا بزرگ طهرانی، حسن بن راشد حلّی، شاگرد فاضل مقداد و صاحب *الجمانة البهية فی نظم الألفية الشهيدية*، را شخصی غیر از شیخ تاج‌الدین حسن بن راشد حلّی، شاگرد علّامه حلّی، دانسته است (طهرانی، ۱۴۳۰: ۴۰/۵). اما چنان‌که گذشت، میرزا عبدالله افندی اصفهانی و بعضی دیگر از تراجم‌نگاران (امین، ۱۴۰۳: ۶۴/۵؛ سبحانی و دیگران، ۱۴۱۸: ۹۱/۹، الشّمري، ۱۴۳۴: ۱۲۷؛ الخفاجی، ۱۴۲۸: ۶۶) این دو شخصیت را یکی معرفی کرده‌اند.

اما در خصوص تحریری که حسن بن محمد بن راشد از شرح *واجب الاعتقاد* شرف‌شاه حسینی فراهم آورده است چند نکته شایان توجه به نظر می‌رسد. چنان‌که گذشت، شرح شرف‌شاه حسینی بر *واجب الاعتقاد* به سبک قال - أقول نگارش یافته است و در آن تنها به توضیح عبارات بخش اعتقادی رساله *واجب الاعتقاد* پرداخته شده و بخش فقهی آن شرح نشده است. تحریری هم که ابن راشد حلّی از این شرح فراهم آورده است، اگرچه در موضوعی افزوده‌هایی دارد، بر همین سبک نگارش یافته و تنها منحصر به شرح بخش اعتقادی و کلامی رساله است. آن گونه که پیش‌تر اشاره شد، هدف اصلی شیخ حسن بن محمد بن راشد از پرداختن به شرح شرف‌شاه حسینی بر *واجب الاعتقاد*، بنا به تصریح خودش، اصلاح اغلاط و تصحیفاتی بوده که از سوی ناسخان و کاتبان در این اثر راه یافته است؛ اما در واقع، او درحالی‌که متن شرح شرف‌الدین را استنساخ کرده است و آن را از اغلاط کاتبان پیراسته، در موضوعی نیز اصلاحاتی کرده و شاید در برخی عبارات تغییراتی داده است. در چندین محل هم به

مناسبت، مطالبی را افزوده است. این افزوده‌ها که گاه به چندین سطر هم بالغ می‌شود در موضعی به‌طور مشخص از سوی خود اوست ولی در بعضی دیگر از مواضع احتمالاً ناشی از کامل‌تر بودن نسخه در دسترس او از شرح واجب الاعتقاد شرف‌شاه حسینی است که حاوی عباراتی است که در نسخه‌های دیگر این شرح دیده نمی‌شود. مثلاً در تحریر ابن‌راشد از شرح شرف‌شاه حسینی، در همان آغاز رساله عبارتی درازدامن قریب به هفت سطر در شرح عبارت «ما تجب معرفته من المسائل الأصولية، و ألحقته به بیان الواجب من أصول العبادات، و الله الموفق للخیرات» از متن واجب الاعتقاد آمده است (ابن‌راشد، بی‌تا: برگ ۳ ب) که در متن چاپی شرح واجب الاعتقاد شرف‌شاه حسینی دیده نمی‌شود (نک: شرف‌شاه حسینی، ۱۴۲۸: ۷۸/۶). در اینجا، فقدان قسمت یادشده در متن چاپی اثر به احتمال قوی در اثر افتادگی این قسمت در نسخه‌های اساس تصحیح آن بوده است. بنابراین با عنایت به آنچه تقدیم شد باید گفت برخلاف عبارت مکتوب در بالای صفحه نخستین برگ این نسخه بدین مضمون که: «شرح علی شرح واجب الاعتقاد من مصنفات الشیخ حسن بن محمد بن راشد»، این اثر، شرحی بر شرح واجب الاعتقاد نیست؛ بلکه فقط تحریر و بازنویسی شرح واجب الاعتقاد شرف‌شاه حسینی است همراه با اصلاحات بسیار و البته افزوده‌هایی چند.

در انجامة این نسخه (دست‌نوشته شماره ۱۵۴۴۱/۶ کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی)، نام کاتب و تاریخ کتابت نسخه نیامده است، ولی در پایان رساله دیگر موجود در این مجموعه خطی با عنوان «رسالة فی الفرض العینی و صفت‌ها»، تاریخ کتابت رساله ربیع‌الاول سال ۸۲۲ هجری قمری نوشته شده است که بر این اساس می‌توان حدس زد رساله مد نظر ما نیز احتمالاً باید در همین زمان کتابت شده باشد. با توجه به تعبیری چون «قدس الله لطیفه» که ابن‌راشد حلی در تحریر خود از شرح واجب الاعتقاد شرف‌شاه حسینی در حق وی به کار برده است معلوم می‌شود که شیخ حسن این بازنویسی را پس از درگذشت شرف‌شاه حسینی در حدود سال ۸۱۰ ه.ق. انجام داده است. نظر به اینکه حسن بن محمد بن راشد دست‌کم تا حدود سال ۸۳۰ هجری قمری در قید حیات بوده، معلوم است که این نسخه در زمان حیات وی استنساخ شده است. اما اینکه آیا نسخه به خط خود ابن‌راشد است یا کاتبی دیگر معلوم نیست. با این

وصف، اغلاط نسبتاً بسیار موجود در متن، از احتمال کتابت آن به دست عالمی چون ابن‌راشد می‌کاهد.

مقایسه تحریر فراهم‌آمده به دست ابن‌راشد از شرح *واجب الاعتقاد* شرف‌شاه حسینی با سه نسخه دیگری که هم‌اکنون از این شرح می‌شناسیم، این نکته را بر ما آشکار می‌کند که تفاوت‌های نسبتاً درخور توجهی میان متن تحریر یافته به اهتمام ابن‌راشد حلّی و سه نسخه دیگر موجود از این اثر وجود دارد. ظاهراً ابن‌راشد برخی از نسخه‌های برجامانده از شرح *واجب الاعتقاد* شرف‌شاه حسینی را از نظر گذرانده و چون آنها را آکنده از تصحیفات و اغلاط کاتبان یافته، به اعمال اصلاحاتی در این متن پرداخته است. اما این اصلاحات چندان است که در نهایت و دست‌کم در مواضعی، متنی نسبتاً و گاه کاملاً متفاوت با متن نسخه‌های دیگر این اثر را رقم زده است. برای نمونه، در حالی که در سه نسخه دیگر اثر و متن چاپی مبتنی بر آنها آمده است:

«اعلم أنه يجب على المكلف أن يعتقد أنه تعالى حكيم، و معناه أنه لا يفعل قبيحاً و لا يخلّ بواجب» (شرف‌شاه حسینی، ۱۴۲۸: ۹۲/۶).

در تحریر ابن‌راشد چنین مکتوب است:

«اعلم أن معنى كونه حكيماً هو أن لا يفعل قبيحاً و لا يخلّ بواجب» (ابن‌راشد، بی‌تا، برگ ۱۰ ب).

در مواضعی نیز بین دو نسخه‌ای که متن اثر بر اساس آنها چاپ شده (یعنی نسخه شماره ۱۰۹۷۱ OR محفوظ در کتابخانه بریتانیا و نسخه شماره ۱۰۶۶۸/۴ کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی) و نسخه این اثر در کتابخانه حکیم نجف به شماره ۱۰۹۱-۴ و نیز تحریر ابن‌راشد از این شرح، اختلاف اساسی وجود دارد. در جدول زیر یک نمونه از این اختلافات نشان داده شده است:

متن چاپی بر اساس دو نسخه از کتاب‌خانه‌های بریتانیا و مرعشی (ص ۹۲، س ۴ - ۶)	متن موجود در تحریر ابن‌راشد حلّی	متن مکتوب در نسخه کتاب‌خانه حکیم
و أمّا الثانی: و هو کونه تعالی لیس مرئياً بحاسة البصر، فالدلیل علیه من جهة المعقول هو أن کلّ مرئی بحاسة البصر يجب أن يكون فی جهة، فلو كان تعالی مرئياً لكان فی جهة.	أقول: اعلم أن من جملة صفات الباری الثبوتیة عندنا کونه لیس مرئياً بحاسة البصر و الدلیل علیه أن کلّ مرئی بحاسة البصر يجب أن يكون فی جهة، لأنه إمّا مقابل أو فی حكم المقابل و کل ما هذا شأنه يكون فی جهة، فلو كان تعالی مرئياً لكان فی جهة.	و أمّا الثانی: و هو کونه لیس مرئياً بحاسة البصر، فالدلیل علیه من جهة المعقول و المنقول؛ أمّا المنقول فقوله تعالی لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و اما المعقول فلائنّ کلّ مرئی يجب أن يكون فی جهة، لأنه إمّا مقابل أو فی حکم المقابل و کل ما هذا شأنه يكون فی جهة، فلو كان تعالی مرئياً لكان فی جهة.

در نمونه یادشده ظاهراً متن مکتوب در نسخه حکیم نسبت به نسخه‌های دیگر، کامل‌تر و صحیح‌تر است و از اینجا می‌توان فهمید که حتی دست‌نویست موجود از تحریر ابن‌راشد از این اثر هم در حال حاضر کاستی‌ها و اغلاطی دارد که باید با کمک نسخه‌های دیگر آنها را اصلاح نمود.

افزون بر این، مقایسه تحریر پدیدآمده به دست ابن‌راشد از شرح واجب الاعتقاد شرف‌شاه حسینی با سه نسخه دیگر، از افتادگی‌ها و اغلاط شایان توجه موجود در شرح واجب الاعتقاد شرف‌شاه حسینی که بر اساس دو نسخه پیش‌گفته از این اثر به چاپ رسیده است، پرده برمی‌افکند و نشان می‌دهد این متن تا چه اندازه مغلوط و آشفته به چاپ رسیده است. در ادامه، پاره‌ای از این افتادگی‌ها و نادرستی‌ها بازگو می‌شود. ابتدا عبارات ناقص یا نادرست به گونه‌ای که منتشر شده است، ارائه می‌شود و پس از آن، جمله کامل یا عبارت صحیح بر اساس تحریر ابن‌راشد حلّی از اثر درج می‌شود:

۱. و ما کان من أفعال الشر فهو من العبد، و نسب إلیه تعالی، لأنه تعالی نهاده عنه (ص ۷۹، س ۱۶) ← و ما کان من أفعال الشر فهو من العبد، و لا ینسب إلیه تعالی، لأنه تعالی نهی عنه.

۲. و أمّا بیان الثانی: و هو کونه عالمّاً بجميع المعلومات، لأنه لو لم یکن كذلك لکان لا یخلو إمّا أن لا یعلم شیئاً، أو یعلم البعض دون البعض. لا جائز أن یعلم البعض

دون البعض، لأنّ ذاته تعالى مجرّدة فنسبتها إلى الجميع على سبيل السوية، فلو تعلّق علمه بالبعض دون البعض لزم التخصيص بلا مخصّص، و هو محال، فبقى القسم الأوّل و هو أن يكون عالمًا بجميع المعلومات، و هو المطلوب (ص ٨٧ س ٥ - ١٠) ← و أمّا بيان الثانی: و هو كونه عالمًا بجميع المعلومات، لأنّه لو لم يكن كذلك لكان لا يخلو إمّا أن لا يعلم شيئاً، أو يعلم البعض دون البعض. لا جائز أن لا يعلم شيئاً لما بيناه من إثبات كونه عالمًا و لا جائز أن يعلم البعض دون البعض، لأنّ ذاته تعالى مجرّدة فنسبتها إلى الجميع على سبيل السوية، فلو تعلّق علمه بالبعض دون البعض لزم التخصيص بلا مخصّص، و هو محال، فبقى القسم الأوّل و هو أن يكون عالمًا بجميع المعلومات، و هو المطلوب.

در اینجا چنان‌که ملاحظه شد، عبارت «لا جائز أن لا يعلم شيئاً لما بيناه من إثبات كونه عالمًا و» در متن چاپ‌شده از قلم افتاده است.

٣. الجوهر: هو المتميز الذي لا يقبل القسمة في جهة من الجهات. (ص ٨٩، س ١٨) ← الجوهر: هو المتحيز الذي لا يقبل القسمة في جهة من الجهات.

٤. و كلّ من فعل الأفعال المتقنة المحكمة كان عالمًا، فبديهية، لأنّ العلم باستلزام ذلك الفاعل ضروري، إذ الجاهل لا يصدر عنه فعل المحكم المتقن (ص ٨٥ س ١٨) ← لأنّ العلم باستلزام ذلك علم الفاعل ضروري، إذ الجاهل لا يصدر عنه فعل المحكم المتقن.

٥. و أمّا بيان المقدّمة الثانية، أعنى: حدوث الحركة و السكون، فنقول: هما حادثان. أمّا الحركة، فلأنّها عبارة عن الحصول الأوّل في المكان الثاني، و المكان الثاني مسبوق بالمكان الأوّل و هو غيره، فيكون مسبوقاً بغيره، و كلّ مسبوق بالغير حادث، فالسكون حادث (ص ٨٠ س ٩) ← و أمّا بيان المقدّمة الثانية، أعنى: حدوث الحركة و السكون، فنقول: هما حادثان. أمّا الحركة، فلأنّها عبارة عن الحصول الأوّل في المكان الثاني، و المكان الثاني مسبوق بالمكان الأوّل و هو غيره، فيكون مسبوقاً بغيره، و كلّ مسبوق بالغير حادث، فيكون الحركة حادثّة و أمّا حدوث السكون فلأنّه عبارة عن الكون الثاني في المكان الأوّل و الكون الثاني مسبوق بالكون الأوّل و هو غيره فيكون مسبوقاً بغيره و كلّ مسبوق بالغير حادث فالسكون حادث.

شرح واجب الاعتقاد جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی؛ یک شرح با چند انتساب غلط! / ۹۳

در اینجا نیز معلوم است که عبارت «فیکون الحركة حادثة و أمّا حدوث السكون فلائه عبارة عن الكون الثاني فی المكان الأول و الكون الثاني مسبوق بالكون الأول و هو غیره فیکون مسبوقاً بغيره و کل مسبوق بالغير حادث» در متن چاپی رساله افتاده است. گذشته از آنچه ذکر شد، اشتباهات و نادرستی‌های دیگری نیز در متن به طبع رسیده از شرح واجب الاعتقاد شرف‌شاه حسینی مشاهده می‌شود که در اینجا برای رعایت اختصار از درج آنها پرهیز می‌کنیم. هم‌اکنون ضروری است بار دیگر این اثر ارزشمند با بهره‌جویی از تحریر ابن‌راشد حلّی و نیز نسخه موجود از این اثر در کتاب‌خانه حکیم نجف، به نحو دقیق و استوار، تصحیح، و این بار با انتساب به جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی منتشر شود. طبعاً استفاده از این دو نسخه تازه‌یاب از اثر در تصحیح آن، ویراستی متفاوت و کامل‌تر از طبع پیشین آن را رقم خواهد زد.

نتیجه

از آنچه در این نوشتار تقدیم شد نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. رساله واجب الاعتقاد در فاصله زمانی میان سال ۷۱۵ تا ۷۱۹ ه.ق. تألیف شده است.
۲. سید جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی شرحی عربی بر قسمت کلامی رساله واجب الاعتقاد علّامه حلّی نوشته است.
۳. شرحی که با عنوان شرح واجب الاعتقاد از یکی از عالمان قرن نهم هجری به چاپ رسیده است و فرضیاتی در خصوص انتساب نگارش آن به ابن‌فهد حلّی و مُهَنَّب بن سنان یا عبدالحسین نیلی مطرح شده، در واقع همان شرحی است که سید جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی بر واجب الاعتقاد علّامه حلّی نوشته است. بنابراین تمام احتمالاتی که درباره نگارش این اثر به دست عالمان دیگر ابراز شده، نادرست است.
۴. نسخه‌ای که از شرح واجب الاعتقاد که به شماره ۱۰۹۱-۴ در کتاب‌خانه آیت‌الله حکیم در نجف اشرف وجود دارد، برخلاف آنچه که در صفحه شناسنامه نسخه ذکر شده، تألیف عبدالحسین بن محمد النیلی نیست؛ بلکه نسخه‌ای است از همان شرح واجب الاعتقاد شرف‌الدین شرف‌شاه حسینی.

۵. دو شرحی که شیخ آقا بزرگ طهرانی در *الذریعه* (۱۶۴/۱۴) ذیل شماره‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ به عنوان دو شرح مختلف بر *واجب الاعتقاد* ذکر کرده‌اند در حقیقت دو شرح مختلف نیستند؛ بلکه نسخه‌هایی است از همان شرح *واجب الاعتقاد* شرف‌الدین شرف‌شاه حسینی.
۶. ابن‌راشد حلّی تحریری از شرح *واجب الاعتقاد* جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی فراهم آورده است که برخلاف آنچه در برخی منابع اظهار شده، شرحی بر شرح *واجب الاعتقاد* نیست، بلکه تنها بازنویسی شرح *واجب الاعتقاد* است همراه با اصلاحات بسیار و افزوده‌هایی اندک.
۷. نسخه تحریر ابن‌راشد از شرح *واجب الاعتقاد* با نسخه این اثر در کتاب‌خانه حکیم نجف و همچنین دو نسخه دیگری که مبنای تصحیح این اثر قرار گرفته است در مواضعی اختلاف درخور توجهی با یکدیگر دارند.
۸. متن منتشرشده از شرح *واجب الاعتقاد* شرف‌الدین شرف‌شاه حسینی همراه با اغلاط و افتادگی‌های بسیار است.
۹. با استفاده از دو نسخه کتاب‌خانه حکیم نجف و نیز تحریر ابن‌راشد حلّی از شرح *واجب الاعتقاد* شرف‌الدین شرف‌شاه حسینی می‌توان ویراست بهتر و کامل‌تری از این اثر ارائه کرد.

منابع

- ابن‌راشد حلّی، حسن‌بن‌محمد (بی‌تا) شرح *واجب الاعتقاد*، تهران: نسخه شماره ۱۵۴۴۱/۶ کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی.
- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله (۱۴۰۳) *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، قم: منشورات مکتبه سماحة آية الله العظمی المرعشی النجفی، الطبعة الأولى، ج ۳ و ۱.
- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله (۱۴۱۵). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، قم: منشورات مکتبه سماحة آية الله العظمی المرعشی النجفی، الطبعة الأولى، ج ۷.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳). *أعیان الشیعة*، تحقیق: حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

شرح واجب الاعتقاد جلال‌الدین شرف‌شاه حسینی؛ یک شرح با چند انتساب غلط! / ۹۵

تبریزی، علی بن موسی (۱۴۱۴). مرآة الكتب، تحقیق: علی صدراپی خویی، قم: کتاب‌خانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۳۱). أمل الآمل فی علماء جبل عامل، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الأولى، ج ۲.

حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۷۶). واجب الاعتقاد علی جمیع العباد، تصحیح: محمدرضا انصاری قمی، قم: میراث اسلامی ایران، کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۱). أجوبة المسائل المهنية، تصحیح: محی الدین الممقانی، قم: مطبعة الخيام، الطبعة الأولى.

حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷). خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسة نشر الفقاهه، الطبعة الأولى.

حلّی، حسن بن یوسف (بی تا). خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، کاظمین: نسخه کتاب‌خانه علّامه سید حسن صدر مورّخ ۷۱۵ ه. ق..

الخفاجی، ثامر کاظم (۱۴۲۸). من مشاهیر أعلام الحکة إلى القرن العاشر الهجری، قم: مکتبة سماحة آية الله المرعشی النجفی الکبری، الطبعة الأولى.

درایتی، مصطفی (۱۳۹۰). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فَنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران ج ۳.

درایتی، مصطفی (۱۳۹۱). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فَنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲۳.

درایتی، مصطفی (۱۳۹۳). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فَنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۳۳.

سبحانی، جعفر و دیگران (۱۴۱۸). موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، الطبعة الأولى، ج ۹.

سبحانی، جعفر و دیگران (۱۴۲۵). معجم طبقات المتکلمین، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، الطبعة الأولى، ج ۳.

سُیوری، فاضل مقداد بن عبدالله (منسوب به) (۱۴۱۲)، الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد، تصحیح: صفاء الدین البصری، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية التابع للآستانة الرضویة المقدّسة، الطبعة الأولى.

شرف‌الدین، عبدالله (۱۴۳۴). مع موسوعات رجال الشيعة، تحقیق: مؤسسه تراث الشيعة، قم: نشر مؤسسه تراث الشيعة، الطبعة الأولى.

شرف‌شاه حسینی، سید جلال‌الدین (۱۴۲۰). منهج الشيعة فی فضائل وصی خاتم الشریعة، تحقیق: السید هاشم المیلانی، بی‌جا: نشر الدلیل (خانه کودک)، الطبعة الأولى.

شرف‌شاه حسینی، سید جلال‌الدین (۱۴۲۸). شرح واجب الاعتقاد، تحقیق: محمد عبدالکریم بیت‌الشیخ، چاپ‌شده در: سبحانی، جعفر، رسائل و مقالات، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۸ ه.ق.، الجزء السادس، ص ۷۲ - ۹۸.

شرف‌شاه حسینی، سید جلال‌الدین (بی‌تا الف). شرح الباب الحادی عشر، تهران: مجموعه خطی ۱۰۷۰۶ کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی.

شرف‌شاه حسینی، سید جلال‌الدین (بی‌تا ب). شرح واجب الاعتقاد، نجف اشرف: نسخه خطی شماره ۱۰۹۱ - ۴ کتاب‌خانه آیه الله حکیم.

الشمري، أم.د. يوسف (۱۴۳۴). الحياة الفكرية فی الحلة خلال القرن التاسع الهجري، النجف الأشرف: دار التراث، الطبعة الأولى.

صدر، حسن (۱۴۲۹). تکملة أمل الآمل، تحقیق: حسین علی محفوظ و عدنان دباغ و عبد‌الکریم دباغ، بیروت: دار المؤرخ العربی، الطبعة الأولى.

الطباطبائی، السید عبد‌العزیز (۱۴۱۶)، مکتبه العلامة الحلی، قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام لإحياء التراث، الطبعة الأولى.

طهرانی، شیخ آقا بزرگ (۱۴۰۳). الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت: دار الأضواء، چاپ سوم.

طهرانی، شیخ آقا بزرگ (۱۴۳۰). طبقات أعلام الشيعة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول عطائی نظری، حمید (۱۳۹۵). «نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۵): واجب الاعتقاد علی جمیع العباد»، مجله آینه پژوهش، سال ۲۷، شماره ۱۶۱، ص ۹۲ - ۱۰۴.

کتوری، اعجاز حسین بن محمدقلی (۱۴۰۹). کشف الحجب و الأستار عن أسماء الكتب و الأسفار، قم: کتاب‌خانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ج ۱۰۴.